

آیه تطهیر و دیدگاه سلفیه

حسن اسکندری

(دانش‌آموخته حوزه و دانشجوی کارشناسی ارشد مذاهب اسلامی)

مقدمه

فضیلت و جایگاه ویژه اهل بیت علیهم‌السلام از سده‌های نخستین اسلام تاکنون، مورد توجه عالمان و دانشمندان اسلامی بوده است و در آثار خویش بدان اذعان کرده‌اند. بی‌شک در آیات و روایات فراوانی بر ضرورت مودت و پذیرش ولایت و مرجعیت علمی اهل بیت اشاره رفته است. مناقشات فراوان، عمیق و گسترده جریان‌های مذهبی در این آیات و روایات شگفت‌انگیز است. امامیه با استناد به این ادله، در پی اثبات عصمت برای اهل بیت علیهم‌السلام و اثبات صلاحیت حقیقی آنان به عنوان جانشینان رسول خداست و در مقابل، اهل سنت آیات و روایات را فقط در مقام تحریک و تشویق مردم برای کسب محبت اهل بیت علیهم‌السلام و نیکویی به آنان می‌دانند. این بخش از حقوق اهل بیت علیهم‌السلام فریضه‌ای است که مورد اجماع همه مسلمانان است.^۱ در این مقاله به تفصیل به دیدگاه‌های ابن تیمیه و به طور اجمال به دیدگاه‌های برخی از سلفیه و دیگر عالمان مذاهب دیگر در آیه تطهیر پرداخته‌ایم.

۱. الشفا بتعريف حقوق المصطفى، ج ۲، ص ۶۰۶.

مفهوم اهل بیت

واژه «اهل» از نوعی پیوند و رابطه عمیق میان دو انسان و یا چیز دیگر حکایت می‌کند. این رابطه به سبب معاشرت و یا پیوند نسبی در همانند همسر و فرزند پدید آمده است. اهل بیت نیز در لغت به ساکنان یک خانه اطلاق شده است.^۱ بنابراین همسر و فرزندان یک شخص اهل بیت اویند. البته با توسعه یافتن معنای اهل بیت، این تعبیر بر قبیله و خویشاوندان یک مرد نیز اطلاق شده است.^۲ در عرف دینی اگر واژه «اهل بیت» به تنهایی استعمال شود، منظور اهل بیت پیامبر ﷺ است.^۳

ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم^۴، با اشاره به اختلاف دانشمندان اسلامی در تعیین اهل بیت پیامبر ﷺ و با مترداف دانستن این دو اصطلاح^۵، دیدگاه‌های مختلف درباره مصادیق اهل بیت ﷺ را بیان کرده‌اند:

• دیدگاه اول

اهل بیت پیامبر ﷺ افرادی هستند که زکات بر آنان حرام شده است. این دیدگاه را بسیاری از عالمان اهل سنت برگزیده‌اند.^۶ قائلین به این نظریه در محدوده این افراد نیز اختلاف دارند:

۱. شافعی و احمد بن حنبل - در نقل قولی منسوب به او - و ثعلبی، بنی‌هاشم و بنی‌مطلب را بر می‌شمردند.
۲. ابوحنیفه، احمد بن حنبل - در نقل قولی دیگر - و ابن قاسم مالکی، فقط بنی‌هاشم را مصداق اهل بیت ﷺ بر شمرده‌اند.^۷

۱. معجم المقاییس فی اللغة، ج ۱، ص ۱۵۰؛ لسان العرب، ج ۱، ص ۱۸۶.

۲. المفردات، ص ۲۹.

۳. لسان العرب، ج ۱، ص ۱۸۶؛ المفردات، ص ۲۹.

۴. الفتاوی الکبری، ج ۲، ص ۱۹۴؛ منهاج السنه، ج ۷، ص ۷۵؛ جلاء الافهام، ج ۱، ص ۲۱۰.

۵. الفتاوی الکبری، ج ۲، ص ۱۹۶؛ منهاج السنه، ج ۴، ص ۲۴.

۶. جلاء الافهام، ج ۱، ص ۲۱۰.

۷. الدر المنضود، ص ۹۰.

۳. برخی از عالمان مالکی نیز بنی مطلب، بنی امیه، بنی نوفل، بنی هاشم و ما فوق آنها تا غالب (از اجداد پیامبر) را ذکر کرده‌اند.^۱

• دیدگاه دوم

اهل بیت پیامبر ﷺ فقط شامل همسران و ذریه او می‌گردد. در این نظریه عمده استدلال‌ها بر آیه تطهیر شکل گرفته و در مواردی همچون صلوات در تشهد نیز ازواج و ذریه از مصادیق «آل محمد» شمرده شده است.^۲

• دیدگاه سوم

اهل بیت پیامبر ﷺ فقط شامل همسران او می‌گردد. در این دیدگاه منظور از بیت، محل سکونت پیامبر و همسران او است. در نقلی، بخاری، ابن ابی حاتم و ابن عساکر از قائلین این دیدگاه شمرده شده‌اند.^۳

• دیدگاه چهارم

اهل بیت پیامبر ﷺ، امت او و پیروان او در تمام دوران‌ها هستند. این قول از جابر بن عبدالله و سفیان ثوری نقل شده و نووی و ازهری هم به آن متمایل شده‌اند.^۴

• دیدگاه پنجم

اهل بیت پیامبر ﷺ تنها شامل پرهیزکاران امت او می‌گردد. این دیدگاه را قاضی حسین نقل کرده و راغب اصفهانی به آن متمایل است.^۵

• دیدگاه ششم

اهل بیت پیامبر ﷺ فقط شامل اصحاب کساء هست و آنان عبارت‌اند از علی، فاطمه، حسن و حسین ﷺ این دیدگاه امامیه و برخی از اهل سنت است. این تیمیه در بخش مفصلی، آیه تطهیر را بررسی کرده و ایراداتی را بر دیدگاه شیعه

۱. امتاع الاسماع، ج ۶، ص ۱۳.

۲. الدر المنصود، ص ۹۰؛ السیدة خدیجة أم المومنین و سباقه الخلق الی الاسلام، ص ۵۲.

۳. موسوعة المکة المکرمه و المدینة المنوره، ج ۱، ص ۱۲۲.

۴. همان، ص ۱۲۳، الفتاوی الکبری، ج ۲، ص ۱۹۵؛ جلاء الافهام، ج ۱، ص ۲۱۱.

۵. الفتاوی الکبری، ج ۲، ص ۱۹۵؛ جلاء الافهام، ج ۱، ص ۲۱۱.

گرفته است.^۱ او مصادیق اهل بیت (علیهم السلام) را در آیه ۳۳ احزاب (آیه تطهیر) کسانی می‌داند که زکات بر آنها حرام شده است^۲ و شامل پیامبر،^۳ همسران او، اصحاب کساء و ذریه پیامبر (صلی الله علیه و آله) است^۴ و حتی در قول شاذی مصرف زکات را برای ازواج پیامبر (صلی الله علیه و آله) حرام دانسته است؛ زیرا آنان را از آل محمد (علیهم السلام) شمرده است؛ در حالی که اتفاق فقهای اهل سنت بر این است که همسران پیامبر در ضمن کسانی که زکات بر آنها حرام شده، قرار نمی‌گیرند.^۵ ابن تیمیه در این حکم شرعی، علاوه بر استناد به سیاق آیه تطهیر، روایتی را بر می‌شمرد که سفره‌ای از اموال زکات از طرف خالد بن سعید بن عاص برای عایشه گسترده شد و او از آن اعراض کرد و گفت: «انا آل محمد لا تحل لنا الصدقه».^۶

ابن تیمیه هر زمانی که به سراغ حقوق اهل بیت (علیهم السلام) رفته است، قبل از هر چیزی، بر رعایت حقوق صحابه و پیشی ندادن دیگران بر آنها تاکید کرده است. او در قصیده‌ای که به بیان اعتقادات خویش پرداخته، گفته:^۷

حُبُّ الصَّحَابَةِ كُلِّهِمْ لِي مَذْهَبٌ
وَلِكُلِّهِمْ قَدْرٌ وَفَضْلٌ سَاطِعٌ
وَمَوَدَّةُ الْقَرَبَىٰ بِهَا أُتَوَسَّلُ
لَكِنَّمَا الصَّدِيقُ مِنْهُمْ أَفْضَلُ^۸

در سخن دیگری می‌گوید:

«اهل السنة في الإسلام كأهل الإسلام في الأديان يتولون أصحاب رسول

الله (ﷺ) و أهل بيته، ويعرفون حقوق الصحابة، وحقوق القرابة كما أمر الله

بذلك و رسوله»^۹

۱. منهاج السنه، ج ۷، ص ۵۴.

۲. مجموع الفتاوى، ج ۳، ص ۲۲۱.

۳. دقائق التفسير، ج ۲، ص ۲۵۶.

۴. منهاج السنه، ج ۷، ص ۷۳؛ الدرر السنية في الاجوبه النجدية، ج ۱۳، ص ۳۶۳.

۵. الموسوعة الفقهية (الكويتية)، ج ۱، ص ۱۰۰.

۶. الفتاوى الكبرى، ج ۲، ص ۱۹۴؛ كتب و رسائل و فتاوى ابن تیمیه، ج ۲۲، ص ۴۶۱؛ برای تبیین اختلاف بنگرید: فتح

الباری، ج ۳، ص ۲۸۱.

۷. مجموع الفتاوى، ج ۳، ص ۹۱.

۸. لامية ابن تیمیه (در ضمن اللالیء البهیة شرح لامية ابن تیمیه)، ص ۳۱.

۹. سوال فی یزید بن معاویه، ص ۱۹.

ابن تیمیه در تبیین مواضع خویش در آیه تطهیر، بیان می‌کند که این آیه، نهایت چیزی را که در فضیلت اهل بیت پیامبر ﷺ ثابت می‌کند، این است که خدای متعال از آنها خواسته که تقوا داشته باشند و پیامبر ﷺ نیز درباره اهل بیت خویش دعا کرده تا خداوند آنها را از متقین قرار دهد و معلوم نیست که دعای پیامبر ﷺ مستجاب شده باشد.^۱

بررسی آیه تطهیر

اصطلاح اهل بیت در معنای خاندان پیامبر فقط یک بار در قرآن به کار رفته است: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»^۲ همانا خدا می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان پیامبر بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند.»

این آیه که به آیه تطهیر شهرت یافته است، از برترین آیاتی است که زمینه معرفت برتر درباره اهل بیت ﷺ را فراهم می‌سازد. آیه با آمدن ادات حصر و تأکید فراوان، حامل پیام مهم و اختصاصی است. ادات و حالات تأکیدی مانند «انما، تقدیم جارو مجرور بر مفعول به («عنکم» بر «الرجس»)، اعراب نصب اهل بیت (بنابر نداء، مدح، اختصاص)، آمدن مفعول مطلق (تطهیر)»^۳. این ادات تأکید، اراده الهی را در از بین بردن پلیدی به اهل بیت ﷺ منحصر می‌کند.

مصدق اهل بیت ﷺ در آیه تطهیر

در روایات فراوانی از رسول خدا ﷺ، که از طریق بسیاری از صحابه و تابعین از جمله ام سلمه، عایشه، انس بن مالک، ابوسعید خدری، عمر بن ابی سلمه، عبدالله بن جعفر، عبدالله بن عباس، سعد بن ابی وقاص، واثله بن اصقع، ابوالاسود دؤلی نقل شده، اهل بیت در آیه پیامبر و علی و حسن و حسین و فاطمه ﷺ است.^۴ منابع حدیثی، هر کدام بخشی از این

۱. منهاج السنه، ج ۵، ص ۱۵؛ همچنین بنگرید به شیوه استدلال و نتیجه گیری از آیه تطهیر و چگونگی تاثیر دیدگاه‌های

ابن تیمیه در عالمان وهابی: الدرر السنیه، ج ۱۳، ص ۳۶۴.

۲. سوره احزاب، آیه ۳۳.

۳. منهاج السنه، ج ۷، ص ۷۰.

۴. تفسیر طبری، ج ۲۲، ص ۸؛ مشکل الآثار، ج ۱، ص ۲۲۵؛ شواهد التنزیل، ج ۳، ص ۱۴۶.

روایات را ذکر کرده‌اند تا جایی که حسکانی بیش از ۱۳۰ روایت ارائه کرده است.^۱ علامه طباطبایی طرق این روایات را از اهل سنت به چهل طریق و از شیعه به سی طریق می‌داند.^۲ برخی همچون ابوالفتوح رازی و علامه مجلسی نیز به تواتر این روایات اشاره کرده‌اند.^۳ شوکانی نظریه انحصار آیه در این پنج تن را متعلق به ابوسعید خدری، مجاهد، قتاده و در روایتی کلبی می‌داند.^۴ اندیشمندان بزرگی از اهل سنت همچون طحاوی،^۵ حاکم نیشابوری،^۶ ابن العربی،^۷ گنجی شافعی،^۸ محب‌الدین طبری،^۹ شبلنجی شافعی،^{۱۰} قندوزی،^{۱۱} حضرمی،^{۱۲} و حسن بن فرحان^{۱۳} مصادیق آیه تطهیر را به اصحاب کساء اختصاص داده‌اند و با برشمردن روایات فراوانی بیان می‌دارند که غیر از آنان هیچ کس نمی‌تواند مصداق آیه باشد. برخی بر این باورند که جمهور مفسرین^{۱۴} و یا اکثر مفسرین^{۱۵} این دیدگاه را اتخاذ کرده‌اند.

در بسیاری از این احادیث این گونه آمده که آیه در خانه امّ سلمه (متوفای ۶۲) همسر پیامبر، در حالی نازل شد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پارچه‌ای خیبری (کساء) را که بر آن نشسته بود، بر روی خود و علی و فاطمه و حسنین کشیده بود و دست‌ها را به سوی آسمان بالا برد و فرمود: «خدایا، اینان اهل بیت من هستند، پلیدی را از ایشان دور فرما و پاکشان گردان». امّ سلمه از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: که آیا او در شمار اهل بیت مذکور در این آیه قرار دارد، پیامبر صلی الله علیه و آله بلافاصله

۱. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۸.

۲. المیزان، ج ۱۶، ص ۳۱۱.

۳. روض الجنان، ج ۱۵، ص ۴۱۶؛ بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۴۲.

۴. فتح القدیر، ج ۴، ص ۳۴۹.

۵. مشکل الآثار، ج ۱، ص ۲۲۵.

۶. مستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۴۸.

۷. احکام القرآن، ج ۳، ص ۴۳۱.

۸. کفایه الطالب، ص ۵۴.

۹. الریاض النضره، ج ۴، ص ۱۳۰.

۱۰. نور الابصار، ص ۲۲۳.

۱۱. ینایع الموده، ج ۲، ص ۴۳۳.

۱۲. رشفه الصادی، ص ۲۳.

۱۳. مع الشیخ عبدالله السعد فی الصحبه و الصحابه، ص ۲۸۸.

۱۴. الجواهر الحسان، ج ۴، ص ۳۴۶؛ نهج الحق، ص ۱۷۳.

۱۵. تفسیر الثعلبی، ج ۸، ص ۸۳؛ الصواعق المحرقه، ج ۲، ص ۴۲۱.

جواب رد داد و البته فرمود که تو از همسران رسول خدایی و تو بر راه خیر هستی.^۱ کشیدن عبا بر سر آنها به هنگام نزول آیه و فرمودن «اللهم هولاء اهل بیتی» و با دادن جواب رد به ام سلمه و در برخی روایات به عایشه و زینب^۲ همه قرینه‌ای برای نشان دادن انحصار اهل بیت در علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم‌السلام است. تکرار واقعه کساء باعث شده که برخی قائل به تکرار نزول این آیه شوند؛ در حالی که احتمالاً این آیه در یک مرحله نازل شده و آنچه تکرار گردیده، عمل پیامبر در خانه ام سلمه، فاطمه، زینب و مسجد النبی است، تا بدین طریق مصادیق اهل بیت علیهم‌السلام کاملاً برای مردم آشکار گردد.^۳ همچنین پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در پی دستور خداوند بر فرمان دادن اهل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم جهت اقامه نماز^۴، چندین ماه به هنگام فجر، پشت درب خانه علی و فاطمه علیهم‌السلام می‌آمد و آیه تطهیر را قرائت می‌کرد و به نماز فرمان می‌داد.^۵ امام باقر علیه‌السلام این حرکت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را برای آشکار شدن دقیق مصادیق اهل بیت علیهم‌السلام برای مردم دانسته است؛ چرا که او این عمل را برای هیچ کس انجام نداد.^۶

گفتنی است که گروه بسیاری از اهل سنت مانند ترمذی، حاکم نیشابوری، ابن تیمیه، البانی بر صحیح بودن حدیث کساء اذعان کرده‌اند^۷ و به همین دلایل برخی همچون سید شرف الدین مخالفت با اختصاص آیه به اصحاب کساء را اجتهاد در مقابل نص می‌دانند.^۸ در احادیث دیگری نیز پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به صراحت از دوازده جانشین خود به عنوان اهل بیت خویش و انسان‌های معصوم یاد و با اشاره به آیه تطهیر، رو به امام علی علیه‌السلام کرده و او و

۱. مسند احمد، ج ۶، ص ۲۹۲؛ سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۲۸.

۲. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۸؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۵، ص ۱۳۴.

۳. ذخائر العقبی، ص ۲۲؛ صواعق المحرقة، ج ۲، ص ۴۲۴؛ الکلمه الغراء، ص ۱۵؛ سوال وجواب، ص ۴۴۴.

۴. سوره طه، آیه ۱۳۲.

۵. مجمع البیان، ج ۷، ص ۵۹؛ عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۴۰؛ مسند احمد، ج ۳، ص ۲۵۹؛ سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۱.

۶. کافی، ج ۱، ص ۲۸۷؛ مجمع البیان، ج ۷، ص ۶۰.

۷. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۹۰؛ سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۶۱؛ منهاج السنه، ج ۵، ص ۶؛ الصحیح الترمذی، ج ۳، ص ۵۷۰؛ نکته قابل تأمل اینکه برخی از عالمان وهابی بدون بررسی مجموعه روایات گفته‌اند که از احادیث کساء تنها یک حدیث به روایت از عایشه صحیح است. (ر.ک: گفتگوی آرام، غامدی، ص ۴۷۶).

۸. الکلمه الغراء، ص ۲۰؛ السنه فی الشریعة الاسلامیه، ص ۴۳؛ آیه التطهیر فی من نزلت، ص ۷.

دو فرزندش و ائمه بعد از آنها را مورد نزول آیه دانسته است.^۱ امام علی علیه السلام در چندین مرحله به آیه تطهیر استناد جسته و قسم یاد کرده که آیا در بین شما کسی هست که آیه تطهیر در شان او نازل شده باشد.^۲ امام علی علیه السلام در پی این آیه صلاحیت اهل بیت علیهم السلام برای رهبری جامعه را اعلان می کند.^۳ امام سجاده علیه السلام نیز به مرد شامی که برای تحقیر آن حضرت آمده بود، اعلام کرد که آیا آیه «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس» را در سوره احزاب خوانده ای که مقصود آیه ما هستیم.^۴

براساس دیدگاه امامیه انحصار آیه در اصحاب کساء براساس شأن نزول است و در تاویل، بر اساس آیه «وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ»^۵ شامل نه نفر از ائمه اطهار علیهم السلام می گردد.^۶

دیدگاه دوم بر آن است که مراد از اهل بیت در آیه، همسران پیامبر است. عکرمه، مقاتل، عروه بن زبیر، سعید بن جبیر و در قولی منسوب به ابن عباس این نظر منعکس شده است.^۷ برخی انتساب این قول را به ابن عباس رد کرده،^۸ سند آن را تضعیف می کنند،^۹ به ویژه این که ابن عباس در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله حدیث کساء را نقل کرده است.^{۱۰} این دیدگاه از قرن دوم به بعد در بین عموم دانشمندان اهل سنت مطرود گردید و بیشتر دانشمندان فقط به نقل قولی از این دیدگاه بسنده کردند^{۱۱} و یا علاوه بر آن به نقد آن هم پرداختند.^{۱۲}

۱. کفایه الاثر، ص ۱۷۰، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۶۹؛ معانی الاخبار، ص ۹۰؛ اهل البيت فی الکتاب والسنه، ص ۵۷.

۲. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۷۹؛ غیبت نعمانی، ص ۶۹.

۳. آیه التطهیر رویه مبتکره، ص ۳۷.

۴. تفسیر طبری، ج ۲۲، ص ۷؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۵، ص ۱۳۶.

۵. سوره انفال، آیه ۷۵.

۶. بنگرید به روایات: کافی، ج ۱، ص ۲۸۷؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۰۵؛ و نقد ابن تیمیه و آلوسی: منهاج السنه، همان؛ روح المعانی، ج ۱۱، ص ۱۹۸.

۷. تفسیر مقاتل، ج ۳، ص ۴۸۸؛ الدر المنثور، ج ۶، ص ۵۳۱؛ فتح القادیر، ج ۴، ص ۳۴۸.

۸. البحر المحیط فی التفسیر، ج ۸، ص ۴۷۹.

۹. آیه التطهیر (آصفی)، ص ۵۸.

۱۰. مسند احمد، ج ۱، ص ۳۳۰؛ سنن نسائی، ص ۶۱.

۱۱. تفسیر طبری، ج ۲۲، ص ۸؛ النکت والعیون تفسیر الماوردی، ج ۴، ص ۴۰۱؛ زاد المسیر، ج ۳، ص ۴۶۲.

۱۲. مشکل الآثار، همان؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۵، ص ۱۳۱؛ البحر المحیط فی التفسیر، ج ۸، ص ۴۷۹.

پایه استدلال مدافعان این دیدگاه بر سیاق آیات استوار است.^۱ مخاطب خداوند در آیات ۳۴-۲۸ سوره احزاب، همسران پیامبر است و وحدت سیاق اقتضا می‌کند که مخاطب این بخش از آیه تطهیر نیز ایشان باشند و در استناد به وحدت سیاق آنچنان پیش رفته‌اند که برخی از آنان بر این باورند اگر روایات کساء انحصار آیه را در پنج تن برساند، باید به دلیل مخالفت با نص قرآن این روایات را کنار بگذاریم.^۲

مخالفان این دیدگاه در پاسخ بیان می‌دارند که شکی نیست وحدت سیاق یکی از امارات مهم در گشودن مراد آیه است، اما این مهم نباید مورد غفلت واقع شود که وحدت سیاق در آیات باید محرز شود و ادله و نصوص دیگری نیز در تعارض با این سیاق قرار نگیرد که موجب شود سیاق از حجیت ساقط گردد. استناد به وحدت سیاق در این آیات با چهار اشکال روبه رو است.

۱. تعارض سیاق با محتوای روایاتی که در شان نزول آیه است. دلالت سیاق ظنی و دلالت روایات قطعی است. علامه طباطبایی بر این باور است که در میان هفتاد روایتی که در شأن نزول آیه آمده است، حتی یک روایت وجود ندارد که نزول این بخش از آیه را دنباله نزول بخش قبل که مربوط به همسران رسول خداست، دانسته باشد.^۳

۲. تغییر ضمایر جمع مؤنث به جمع مذکر است که این تغییر، حکایت از آن دارد که مخاطبان این بخش با بخش پیشین تفاوتی یافته‌اند.^۴

۳. دلالت آیه بر عصمت اهل بیت علیهم‌السلام است، اما کسی عصمت را درباره همسران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله ادعا نکرده است و خودشان نیز مدعی نزول آیه در حق ایشان و یا عصمت نبوده‌اند.^۵

۴. تغییر لحن آیه، اشکال دیگر است. آیات قبل سرشار از توصیه به همسران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، به همراه تهدید آنان است، اما در این بخش، سخن از موهبت الهی و تعظیم اهل بیت علیهم‌السلام است.^۶

۱. احکام القرآن (جصاص)، ج ۵، ص ۲۳۰؛ فتح القدير، ج ۴، ص ۳۴۹.

۲. محاسن التأویل، ج ۸، ص ۶۹ به نقل از ابوالسعود.

۳. اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۳۰۹؛ المیزان، ج ۱۶، ص ۳۱۱؛ آیه التطهیر فی من نزلت، ص ۲۷.

۴. مشکل الآثار، همان؛ البحر المحیط فی التفسیر، ج ۸، ص ۴۷۹؛ الفصول المختاره، ص ۵۵؛ ذکری الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۱، ص ۵۶.

۵. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۳۴۱؛ مجمع البیان، ج ۸، ص ۵۶۰؛ بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۴۳.

۶. المنقذ من التقليد، ج ۲، ص ۳۲۸؛ مجمع البیان، ج ۸، ص ۵۶۰؛ لماذا اخترت مذهب اهل البيت، ص ۹۷.

نظریه انفصال این آیه از آیات قبل، از ابتدا در بین عالمان شیعی مشهور بوده است^۱ و بزرگانی از اهل سنت که مصداق آیه را تنها اصحاب کساء می‌دانستند، به این نظریه تمایل داشته‌اند.^۲ استقلال این بخش از آیه، لطمه‌ای بر بلاغت قرآن نمی‌زند؛ زیرا در قرآن نظایری دارد^۳ و در گفتار و اشعار عرب بلیغ هم شواهدی بر آن هست.^۴ البته گروهی از اساس، محتمل دانسته‌اند که صحابه باید جای این بخش از آیه را مشخص کرده باشند.^۵ تسمیه این بخش از آیه ۳۳ احزاب به نام آیه تطهیر، احتمالاً از سوی اهل بیت علیهم السلام صورت پذیرفته است و این نیز شاهدی بر انفصال این بخش از دیگر بخش‌هاست. عنوان آیه تطهیر بر این بخش از آیه ۳۳ احزاب در سخنان آنان به کار رفته است^۶ و ایراد برخی برای تسمیه بخشی از آیه به آیه تطهیر وارد نیست.^۷

دیدگاه اختصاص آیه تطهیر به همسران پیامبر ﷺ، در دوره تابعین به صورت جدی از طرف برخی گروه‌ها همچون بنی‌امیه و خوارج حمایت می‌شد.^۸ منابع رجالی بسیاری در عداوت عکرمه، مقاتل و عروه بن زبیر با امام علی علیه السلام گزارش‌هایی را ارائه کرده‌اند.^۹ بنابر خبری، عکرمه اصرار بر نزول آیه در خصوص زنان پیامبر ﷺ داشته است، تا جایی که در بازار به تبلیغ آن می‌پرداخت و با فریاد بیان می‌کرد نظریه‌ای که مردم به آن معتقدند، درست نیست و حاضرم در این باره مباحله کنم.^{۱۰} ظاهراً دیدگاه مشهور در زمان این تابعی، مخالف نظریه او بوده است که این‌گونه او را وادار بر مباحله کرده است. او حتی بر نظریه‌اش هیچ شاهدی از روایات نمی‌آورد.^{۱۱} در قرن‌های بعد این دیدگاه تنها از سوی

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۷۸؛ تاویلات اهل السنه، ج ۸، ص ۳۲۸.

۲. برای نمونه ر.ک: به طحاوی و ابن العربی، مشکل الآثار، ج ۱، ص ۲۲۵؛ احکام القرآن، ج ۳، ص ۴۳۱.

۳. سوره یوسف، آیات ۲۸، ۲۹.

۴. مجمع البیان، ج ۸، ص ۱۵۸؛ ذکری الشیعه، ج ۱، ص ۵۶.

۵. بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۴۴؛ المیزان، ج ۱۶، ص ۳۱۲؛ مهر تابان، ص ۴۱۲.

۶. خصال، ج ۲، ص ۵۶۱؛ امالی طوسی، ص ۵۴۹ و ۵۶۱؛ احتجاج، ج ۱، ص ۱۱۹.

۷. ر.ک: آیه التطهیر و علاقتها بعصمه الائمه، ص ۳.

۸. الکلمه الغراء، ص ۱۶.

۹. نگاهی به آیه تطهیر، ص ۱۱۱.

۱۰. تفسیر الطبری، ج ۲۲، ص ۸؛ اسباب النزول الایات، ص ۱۹۸.

۱۱. الکلمه الغراء، ص ۵۱؛ آیه التطهیر رویه مبتکره، ص ۴۶.

عده خیلی از عالمان اهل سنت اختیار شد.^۱

دیدگاه سوم را بسیاری از اهل سنت برگزیده‌اند که اهل بیت علیهم‌السلام در آیه تطهیر، همسران پیامبر و اصحاب کساء است. قرطبی، ثعالبی، ابن کثیر، شوکانی، ابوحیان، آلوسی و ابن منظور از این جمله‌اند.^۲ این دیدگاه متعلق به ضحاک بوده است.^۳ آنان علت این شمول را سیاق آیات برای همسران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و قرابت نسبی و احادیث کساء برای علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم‌السلام می‌دانند.^۴ در واقع بسیاری از مدافعان این نظریه با استناد به معنای لغوی اهل بیت - که عام است و شامل همسر و ذریه و پیروان می‌شود^۵ - مصداق آیه را بدون در نظر گرفتن شواهد قطعی شامل همسران و ذریه گرفته‌اند.^۶ آنان در پاسخ برخی لغت‌شناسان همچون زبیدی^۷ که اطلاق اهل بر همسران را مجاز می‌دانند، بیان کرده‌اند که رابطه همسری در حکم رابطه نسبی با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله است، زیرا ازدواج آنان بعد از مرگ پیامبر منقطع نمی‌گردد و به نص قرآن آنان ام‌المومنین هستند و مانند زنان دیگر نیستند.^۸ نکته قابل تأمل این است که آنان معتقدند که این روایات کساء، اختصاص آیه را به اصحاب کساء نمی‌رساند و درصدد تخصیص آیه بدون همسران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نیست، بلکه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله با داخل کردن چهار تن در زیر کساء در پی دفع توهّم داخل نبودن آنان در مصداق آیه بود؛ زیرا زنان با سیاق آیه داخل بودند؛^۹ در حالی که بسیاری از روایات نبوی تصریح دارند که آیه در شان پنج تن نازل شده است.^{۱۰}

۱. برای نمونه: معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۶۳۷؛ سمرقندی، بحر العلوم، ج ۳، ص ۶۰؛ از پیروان کرابیسی بنگرید: الفصول المختاره، ص ۵۳.

۲. الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۴، ص ۱۸۳؛ الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۳۴۶؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۳، ص ۴۸۳؛

فتح القدیر، ج ۴، ص ۳۵۱؛ بحر المحیط، ج ۷، ص ۲۳۲، روح المعانی، ج ۱۱، ص ۱۹۶؛ لسان العرب، ج ۱۱، ص ۲۹.

۳. النکت و العیون تفسیر الماوردی، ج ۴، ص ۴۰۱.

۴. فتح القدیر، ج ۴، ص ۳۵۱؛ اضواء البیان، ج ۶، ص ۲۳۷.

۵. العین، ج ۴، ص ۸۹؛ المفردات، ص ۹۶.

۶. تاویلات اهل السنه، ج ۸، ص ۳۸۳؛ مفتاح الغیب، ج ۹، ص ۱۵۸؛ منهاج السنه، ج ۷، ص ۷۳؛ فتح القدیر، ج ۴، ص ۳۵۱.

۷. تاج العروس، ج ۱۴، ص ۳۶.

۸. الاعتقاد (بیہقی)، ج ۱، ص ۳۳۵؛ الصواعق المحرقة، ج ۲، ص ۴۲۴.

۹. منهاج السنه، ج ۴، ص ۲۳؛ انوار التنزیل، ج ۴، ص ۲۳۱؛ التحریر والتنویر، ج ۲۱، ص ۲۴۸؛ روح المعانی، ج ۱۱، ص ۱۹۶.

۱۰. اسباب النزول، ص ۱۹۸؛ الدر المنثور، ج ۶، ص ۵۳۳؛ کفایه الاثر، ص ۵۶؛ کافی، ج ۱، ص ۲۸۶.

طحاوی، از بزرگان اهل سنت، با برشمردن هشت روایتی که پیامبر ﷺ اجازه ورود ام سلمه را به زیر عبا نمی‌دهد، در تایید اختصاص آیه به اصحاب کساء کوشیده و در پاسخ به کسانی که به عبارت پیامبر ﷺ به ام سلمه «انت من اهلی» استناد می‌کنند این گونه می‌گوید که ام سلمه نیز از عموم اهل بیت پیامبر ﷺ بود، نه اینکه مصداق آیه باشد.^۱ با این حال، برخی از آنان با استناد به روایتی که پیامبر ﷺ، ام سلمه را در زمره اهل بیت خود می‌داند و با صحیح شمردن سند آن و بدون اشاره به چندین روایت متعارض، بیان می‌کنند که زنان پیامبر ﷺ نیز از مصداق اهل بیت در آیه هستند.^۲

از موارد دیگر مورد استناد، حدیثی است که بعد از نزول آیه و پایان یافتن دعا درباره اهل بیت، پیامبر ﷺ اشاره می‌کند که ام سلمه هم تحت کساء قرار گیرد.^۳ روایت دیگر نیز از ابوهریره نقل شده که با عبارت «اللهم صل علی محمد النبی و أزواجه أمهات المؤمنین و ذریته و أهل بیته» بر پیامبر درود بفرستید. در این عبارت همسران و ذریه در کنار هم قبل از اهل بیت آمده است که مشخص شود اهل بیت شامل هر دو می‌باشد.^۴

دیدگاه چهارم بر آن است که مراد از اهل بیت در آیه تطهیر بنی هاشم است.^۵ این دیدگاه مستند به روایتی از زید بن ارقم است که زید، اهل بیت پیامبر ﷺ را کسانی می‌داند که خداوند زکات را بر آنان حرام کرده است. در این روایت اشاره‌ای به آیه تطهیر نشده است و آل عباس، آل علی، آل جعفر و آل عقیل از این گروه شمرده شده‌اند.^۶ برخی همچون ابوالفتوح رازی این قول را شاذ و نادر دانسته‌اند.^۷ همچنین برخی در تأیید این قول، به روایت کشیدن عبا بر سرعباس و فرزندانش از سوی پیامبر ﷺ و روایت انشعاب

۱. مشکل الآثار، ج ۱، ص ۲۵۱.

۲. الاعتقاد (بی‌هقی)، ج ۱، ص ۳۳۵؛ تاویلات اهل السنه، ج ۸، ص ۳۸۳.

۳. مسند احمد، ج ۶، ص ۲۹۸.

۴. منهاج السنه، ج ۷، ص ۷۶؛ الاعتقاد (بی‌هقی)، ج ۱، ص ۳۳۵.

۵. تفسیر الثعلبی، ج ۸، ص ۴۴؛ الصواعق المحرقة، ج ۲، ص ۴۲۴.

۶. صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۲.

۷. روض الجنان، ج ۱۵، ص ۴۲۱.

قبیله پیامبر ﷺ از بین قبایل که بهترین قبیله شمرده شده و تبیین آن به عنوان تفسیر آیه استناد کرده‌اند.^۱

از دیگر دیدگاه‌های منحصر به فرد، دیدگاه ابی حیان اندلسی است که همسران پیامبر ﷺ به همراه پدرانشان، از مصادیق اهل بیت در آیه می‌داند.^۲

از دیگر مذاهب، زیدیه و برخی از اندیشمندان اهل سنت مانند حسن بن علی سقاف، این آیه را در شأن اصحاب کساء و ذریه آنان تا قیامت می‌دانند و عصمت در اعتقاد و گفتار و رفتار را برای اصحاب کساء قائل‌اند.^۳

مفهوم آیه

در اینکه اراده الهی مبنی بر پاکی اهل بیت ﷺ از پلیدی‌ها به وقوع پیوسته است (اراده تکوینی) و یا فقط در حد درخواست خدا از اهل بیت ﷺ مبنی بر اجتناب از پلیدی‌هاست (اراده تشریعی)، اختلاف هست. برخی عالمان اهل سنت همچون ابن تیمیه بر این باورند که اراده در آیه، اراده تشریعی است.^۴ نتیجه این رویکرد آن است همان‌طور که عموم مکلفان در قبال انجام تکالیف، پاداش الهی دریافت می‌کنند، در این آیه هم تعلق اراده الهی به «اذهاب رجس» از اهل بیت ﷺ و تطهیر آنها، پاداش الهی در قبال انجام تکالیف مورد نظر در آیات قبل قرار داده شده است و در نهایت آیه ناظر به محبت الهی است که اهل بیت ﷺ باید بیش از دیگران مراقب اعمال خود باشند و خود را از هرگونه پلیدی دور نگاه دارند.^۵ گرچه ابن تیمیه تطهیر الهی را در جای دیگر به معنای تطهیر از صدقه که اوساخ (پلیدی) اموال است، بیان کرده و اهل بیت ﷺ را از کسانی می‌داند که صدقه بر آنان حرام شده است.^۶

۱. جواهر العقدین، ج ۱، ص ۱۹؛ الصواعق المحرقة، ج ۲، ص ۴۲۴.

۲. بحر المحيط، ج ۷، ص ۴۷۹؛ برای دیدگاه‌های دیگر ر. ک: الصواعق المحرقة، ج ۲، ص ۴۲۴.

۳. المصابیح، ص ۲۹؛ صحیح شرح العقیده الطحاویه، ص ۶۵۵.

۴. مجموع الفتاوی، ج ۱۱، ص ۱۲۷؛ منهاج السنه، ج ۳، ص ۱۷.

۵. منهاج السنه، ج ۷، ص ۷۱؛ الفرقان، ج ۱، ص ۲۶۷.

۶. منهاج السنه، ج ۴، ص ۲۵.

مهم‌ترین ادله تشریعی بودن اراده در آیه عبارت است از: ارتباط سیاقی این آیه با آیات قبل و بعد، ملازم بودن اراده تکوینی الهی با سلب اختیار از مخاطب، تشابه اسلوب آیه تطهیر با برخی آیات دیگر قرآن که در آنجا منظور اراده تشریعی است^۱ و همچنین دعای پیامبر بعد از نزول آیه مبنی بر پاک کردن اهل بیت از پلیدی‌ها را ((اللهم هؤلاء اهل بیتی فاذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهیر)) متعارض با اراده تکوینی می‌دانند؛ زیرا اگر قطعاً از پلیدی‌ها پاک بودند پس درخواست پیامبر خدا ﷺ تحصیل حاصل بوده است و در واقع پیامبر ﷺ باید تنها به شکرگزاری اکتفا می‌کرد. در پاسخ از این اشکال بیان شده که ضرورت تکوینی در ممکنات بالذات نیست، بلکه وابسته به مشیّت الهی است و در این صورت انسان موحد باید پیوسته دعا کند و بقای آنچه را از مواهب الهی دارد در خواست نماید.^۳ اشکال دیگری که مطرح کرده‌اند، این است که در صورت تکوینی بودن اراده، لازم بود که اهل بیت علیهم السلام عاری از گناهان باشند؛ در حالی که برخی از آنان مثل امام علی علیه السلام به عدم عصمت خود تصریح کرده‌اند.^۴ در پاسخ از این اشکال، به جملات مشابه از پیامبر اکرم ﷺ استناد شده است و علت صدور این سخنان را، ارشاد دیگران و یا انقطاع الی الله و تقصیر در عبودیت دانسته‌اند.^۵ و در مقابل روایتی از امام علی علیه السلام نقل شده است که با استناد به آیه تطهیر، خویش را دارای عصمت معرفی می‌کند.^۶ آنان علت دعای پیامبر ﷺ بعد از نزول آیه را تأکید مضمون آیه و محدود کردن مصداق آیه در اصحاب کساء می‌دانند و دلیل خویش را مستند به روایتی از امام صادق علیه السلام می‌سازند که فرمود اگر رسول خدا ﷺ سکوت می‌کرد و اهل بیت را مشخص نمی‌کرد، دیگران مدعی نزول آیه در شان خودشان می‌شدند. با تشریعی بودن اراده در آیه، چه نیازی به دعای پیامبر ﷺ و گفتن «اللهم

۱. منهاج السنه، ج ۷، ص ۷۱؛ مجموع الفتاوی، ج ۱۰، ص ۲۹۰.

۲. منهاج السنه، ج ۷، ص ۷۲ و ج ۴، ص ۲۲؛ روح المعانی، ج ۱۱، ص ۱۹۹.

۳. پرسان عصمت، ص ۸۸؛ دانشنامه کلام اسلامی، ج ۱، ص ۹۷.

۴. منهاج السنه، ج ۷، ص ۶۱؛ روح المعانی، ج ۱۱، ص ۱۹۸.

۵. شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۱۰۸؛ بحار الانوار، ج ۳۴، ص ۱۹۷.

۶. تاویل الآيات الظاهرة، ص ۴۵۰؛ البرهان، ج ۴، ص ۴۴۹.

هولاء اهلی» است؛ در حالی که تکالیف شامل همه انسان‌ها است.^۱

در دیدگاه دوم به صراحت از تکوینی بودن اراده الهی در آیه شریفه سخن به میان می‌آید و بی‌آنکه آیه را در مقام تعلیل آیات مربوط به زنان پیامبر بداند، تخلف‌ناپذیر بودن اراده الهی را در حق اهل بیت علیهم‌السلام و عصمت آنان را نتیجه می‌گیرد. این نظریه عموم عالمان شیعه همچون شیخ مفید، شیخ طوسی و شیخ طبرسی است.^۲ عصمت مستفاد از این آیه در کلام نبوی تصریح شده است.^۳ در بین اهل سنت، طبری و قتاده نیز با تبیین آیه به صورت اراده الهی در رفع سوء و فحشا و فرا گرفتن رحمت او در حق اهل بیت علیهم‌السلام، به این رویکرد گرایش دارند.^۴ آلوسی نیز دیدگاه تکوینی بودن اراده را برگزیده است.^۵ در ۱۳۸ مورد اراده الهی در قرآن، ۱۳۵ مورد اراده تکوینی منظور بوده و فقط در سه مورد مقصود از آن اراده تشریعی بوده است و این غلبه استعمال، خود قرینه‌ای در موارد مشکوک است.^۶

براین اساس، آیه تطهیر صرفاً وعده الهی و قرارداد مشروط الهی بر از بین بردن رجس و تطهیر اهل بیت علیهم‌السلام و مربوط به آینده نیست، بلکه نوعی خبر قطعی از سنت و قانون الهی درباره آنان است. ادله تکوینی بودن اراده الهی در آیه تطهیر عبارت است از: تغییر سیاق این بخش از آیه با آیات قبل و بعد؛ زیرا در آن هفت آیه (۲۱-۳۴/حزاب) ضمائر جمع مؤنث است و فقط در این بخش از آیه ششم، ضمیر جمع مذکر آمده است و این حکایت از آن دارد که این بخش از آیه با بخش پیشین تفاوت یافته است.

در مقابل، برخی به این اشکال چنین پاسخ داده‌اند که مذکر آوردن به اعتبار لفظ اهل است و برای آن شواهدی آورده‌اند.^۷ مشکل اساسی در صورت تشریعی بودن اراده الهی این است که مضمون آیه، دیگر اختصاصی به اهل بیت علیهم‌السلام ندارد، بلکه اراده تشریعی او در

۱. آیه تطهیر رویه مبتکره، ص ۵۹؛ آیه تطهیر فی من نزلت، ۳۷؛ برای روایت رک: الکافی، ج ۱، ص ۲۸۶.

۲. الفصول المختاره، ص ۵۴؛ التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۳۴۰؛ مجمع البیان، ج ۸، ص ۵۶۰؛ معالم المدرستین، ج ۱، ص ۲۶۹.

۳. الدر المنثور، ج ۶، ص ۵۳۴؛ مجمع البیان، ج ۹، ص ۲۳۰.

۴. تفسیر الطبری، ج ۱۰، ص ۲۹۶.

۵. روح المعانی، ج ۱۱، ص ۱۹۹.

۶. آیه تطهیر رویه مبتکره، ص ۹۹.

۷. فتح القدیر، ج ۴، ص ۳۴۹.

رفع پلیدی‌ها و تطهیر آنان شامل همه مسلمانان می‌شود و دلیلی برای آوردن ادات حصر و تأکید نمی‌ماند^۱ و همچنین اهتمام رسول خدا در تطبیق آیه در مورد اهل بیت علیهم‌السلام خصوصیتی پیدا نمی‌کرد. البته این اراده تکوینی به معنای سلب اختیار نیست، بلکه بدین معناست که فرد معصوم تحت تربیت خاص ربوبی، سراغ گناه نمی‌رود و هیچ‌گاه با خداوند خود مخالفت نمی‌کند.

معنای رجس

در این آیه، خداوند، متعلق اراده خود را «لیذهب عنکم الرجس» آورده و برای تأکید بیشتر «ویطهرکم» را ذکر کرده و در پایان نیز لفظ «تطهیرا» را به صورت نکره آورده که برای نشان دادن عظمت این تطهیر و پاکی است.^۲ رجس در لغت به معنای پلیدی است^۳ و هر چیزی که لایق انسان نباشد و عقل سالم و عرف عادل آن را قبیح بشمارد، «رجس» است و به مناسبت در معانی فراوانی به کار می‌رود. مانند شک، کفر، گناه، عمل زشت، وسوسه، لعنت، عذاب.^۴ فخر رازی نکته لطیف در این آیه را آن می‌داند که گاهی ذات پلیدی از بین می‌رود اما محل آن پاک نمی‌شود، اما در این آیه بعد از اذهاب رجس، اهل بیت علیهم‌السلام به تطهیر الهی آراسته شدند.^۵ اغلب مفسرین رجس در آیه را به معنای گناه و طهر را به معنای تقوی تفسیر کرده‌اند و این مقام را از باب استعاره دانسته‌اند^۶ که شامل پلیدی‌های معنوی همچون کفر و شرک و پلیدی‌هایی که از همانجا در عمل انسان از گناه ظاهر می‌شود که رفع آن همان عصمت الهی است که انسان را از عقاید باطل و اعمال زشت باز می‌دارد. بدین معنا که بعد از رفع پلیدی آنچه مقابل آن است از اعتقاد حق و عمل حق، ایجاد شد.^۷ در روایاتی از اهل بیت علیهم‌السلام و از تابعین مجاهد، رجس در آیه تطهیر را به معنای

۱. المنقذ من التقليد، ج ۲، ص ۳۲۷؛ مجمع البیان، ج ۸، ص ۲۳۰؛ بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۴۳؛ المیزان، ج ۱۶، ص ۳۱۳.

۲. منشور جاوید، ج ۵، ص ۲۸۵؛ آیه التطهیر رویه مبتکره، ص ۱۱۳.

۳. الصحاح، ج ۲، ص ۵۷۵؛ المفردات، ص ۳۴۲؛ منهاج السنه، ج ۷، ص ۸۱.

۴. معالم التنزیل، ج ۳، ص ۶۳۶؛ لسان العرب، ج ۶، ص ۹۵؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۴، ص ۵۶.

۵. مفتاح الغیب، ج ۹، ص ۱۸۵.

۶. الکشاف، ج ۳، ص ۵۳۸؛ فتح القدر، ج ۴، ص ۳۴۸؛ منشور جاوید، ج ۵، ص ۳۲۴.

۷. المیزان، ج ۱۶، ص ۳۱۲.

شک بیان کرده‌اند.^۱ در واقع شک باعث آلودگی انسان به معصیت می‌گردد و انسانهایی که به توفیق الهی در دریای یقین سیر می‌کنند با اختیار خود به گناه نزدیک نمی‌شوند.^۲ برخی از اهل سنت همچون نبهانی، گرچه عصمت را از آیه نتیجه نمی‌گیرند، اما دعای پیامبر را در تطهیر آنان مستجاب می‌دانند.^۳ سمهودی نزول آیه و اخبار از تطهیر اهل بیت (علیهم‌السلام) را مجوز صلوات فرستادن بر آنها و حضور اصحاب کساء در رویداد مباحله می‌داند.^۴

۱. معانی الاخبار، ص ۱۳۸؛ معالم التنزیل، ج ۳، ص ۶۳۷.

۲. آیه التطهیر رویه المبتکره، ص ۱۱۴.

۳. شرف المؤید، ص ۲۳؛ ر.لک: به نقد آن: منهاج السنه، ج ۷، ص ۷۹.

۴. جواهر العقدين، ج ۱، ص ۲۷.

فهرست منابع

۱. *آیه التطهیر رویه مبتکره*، محمد فاضل و شهاب الدین اشراقی، مرکز فقه الاثمه الاطهار، قم، سوم، ۱۴۲۴ق.
۲. *آیه التطهیر فی من نزلت*، حسن عبدالله علی، المطبعة العلمیه، بی جا، ۱۴۲۶ق.
۳. *آیه التطهیر و علاقتها بعصمه الاثمه*، عبدالهادی حسینی، بی جا، ۱۴۱۹ق.
۴. *آیه التطهیر*، محمدمهدی آصفی، دارالقرآن الکریم، قم، ۱۴۱۱ق.
۵. *الاحتجاج*، احمد بن علی طبرسی، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ق.
۶. *احکام القرآن*، ابوبکر محمد بن عبدالله ابن العربی، دارالکتاب العربی، بیروت، بی تا.
۷. *احکام القرآن*، احمد بن علی جصاص، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ق.
۸. *اسباب النزول*، علی بن احمد واحدی نیشابوری، دارالفکر، بیروت، ۱۴۲۸ق.
۹. *اضواء البیان فی ایضاح القرآن بالقرآن*، محمد امین شتیطی، دارالفکر للطباعة، بیروت، ۱۴۱۵ق.
۱۰. *الاعتقاد و الهدایه الی سبیل الرشاد علی مذهب السلف و اصحاب الحدیث*، احمد بن حسین بیهقی، دارالآفاق الجدیدة، بیروت، ۱۴۰۱ق.
۱۱. *اعیان الشیعه*، سید محسن امین، دار التعارف، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۱۲. *امالی*، محمد بن حسن طوسی، دارالتقافه، قم، ۱۴۱۴ق.
۱۳. *امتناع الاسماع بما للنبی من الاحوال و الاموال والحفده و المتاع*، احمد بن علی مقریزی، تحقیق محمد عبدالحمید النمیس، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.
۱۴. *انوار التنزیل و اسرار التاویل*، عبدالله بن عمر بیضاوی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۸ق.
۱۵. *اهل البيت فی الکتاب و السنه*، محمد ری شهری، دارالحدیث، قم، ۱۳۷۹ش.
۱۶. *بحار الانوار*، محمد باقر مجلسی، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ق.
۱۷. *البحر المحیط فی التفسیر*، محمد بن یوسف ابی حیان اندلسی، تحقیق صدقی محمد جمیل، دارالفکر، بیروت، ۱۴۳۱ق.
۱۸. *بحرالعلوم*، محمد بن احمد سمرقندی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۶ق.
۱۹. *البرهان فی تفسیر القرآن*، سید هاشم بحرانی، بعثت، تهران، ۱۴۱۶ق.
۲۰. *تاج العروس من جواهر القاموس*، محب الدین زبیدی، دارالفکر للطباعة والنشر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۲۱. *تاویل الآیات الظاهره*، سید شرف الدین علی حسینی استرآبادی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۰۹ق.
۲۲. *تاویلات اهل السنه*، ابومنصور محمد بن محمد ماتریدی، تحقیق مجدی باسلوم، دارالکتب العلمیه، بیروت، اول، ۱۴۲۶ق.
۲۳. *صراط النجاه*، میرزا جواد تبریزی، بی جا، بی تا.
۲۴. *التبیان فی تفسیر القرآن*، محمد بن حسن طوسی، تحقیق احمد قصیر عاملی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۲۵. *التحریر و التنویر*، محمد طاهر ابن عاشور، مؤسسه التاریخ، بیروت، اول، ۱۴۲۰ق.

۲۶. *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، حسن مصطفوی، ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰ ش.
۲۷. *تفسیر الثعلبی*، ابواسحاق ثعلبی، تحقیق ابی محمد بن عاشور، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، اول، ۱۴۲۲ ق.
۲۸. *تفسیر القرآن العظیم*، اسماعیل بن محمد دمشقی ابن کثیر، دارالہلال، بیروت، اول، ۲۰۰۷ م.
۲۹. *تفسیر قمی*، علی بن ابراہیم قمی، تحقیق سیدطیب موسوی جزایری، مکتبه الہدی، نجف، ۱۳۸۷ ق.
۳۰. *تفسیر مقاتل*، ابوالحسن مقاتل بن سلیمان، دار احیاء التراث، بیروت، ۱۴۲۳ ق.
۳۱. *جامع البیان فی تاویل القرآن*، محمد بن جریر طبری، دارالکتب العلمیہ، بیروت، اول، ۱۴۱۲ ق.
۳۲. *الجامع لاحکام القرآن*، قرطبی، دارالکتاب العربی، دوم، ۱۳۷۲ ق، ۱۹۵۲ م.
۳۳. *جلاء الافہام فی فضل الصلاہ علی محمد خیر الأنام*، محمد بن ابی بکر ابن قیم، تحقیق شعب الأرنؤوط - عبد القادر الأرنؤوط، دار العروہ، کویت، ۱۴۰۷ ق.
۳۴. *الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن*، عبدالرحمن بن محمد ثعلبی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، اول، ۱۴۱۸ ق.
۳۵. *جواهر العقدين فی فضل الشریفین شرف العلم الجلی والنسب العلی (القسم الثانی)*، علی بن عبد الله الحسنی سمهودی، وزاره الاوقاف والشؤون الدینیہ، عراق، ۱۴۰۷ ق.
۳۶. *خصائص امیرالمومنین*، احمد بن شعیب نسائی، تحقیق محمدہادی امینی، مکتبه نینوی الحدیثہ، تهران، بی تا.
۳۷. *الخصال*، محمد بن علی صدوق، انتشارات جامعہ مدرسین، قم، ۱۴۰۳ ق.
۳۸. *دانشنامہ کلام اسلامی*، گروهی از محققین، مدخل آیه تطہیر، علی ربانی گلپایگانی، موسسہ امام صادق، قم، ۱۳۸۷ ش.
۳۹. *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، جلال الدین سیوطی، تصحیح نجدت نجیب، داراحیاء التراث العربی، بیروت، اول، ۱۴۲۱ ق.
۴۰. *الدر المنضود فی الصلاہ والسلام علی صاحب المقام المحمود*، احمد بن محمد ابن حجر ہیثمی، دارالمدينه المنوره، مدینہ، ۱۴۱۶ ق.
۴۱. *الدرر السنیہ فی الاجوبہ النجدیہ*، عبدالرحمن بن محمد العاصمی النجدی، ج ۱۳، بی جا، چاپ دوم، ۱۴۲۵ ق.
۴۲. *دقائق التفسیر الجامع لتفسیر ابن تیمیہ*، احمد بن عبدالحلیم، موسسہ علوم القرآن، دمشق، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
۴۳. *ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی*، محب الدین طبری، مکتبه القدسی، قاہرہ، ۱۳۵۶ ق.
۴۴. *ذکری الشیعہ فی احکام الشریعہ*، محمدعاملی شہیداول، موسسہ آل البیت، قم، ۱۴۱۹ ق.
۴۵. *رشفہ الصادی من بحر فضائل بنی النبی الہادی*، ابوبکر حضرمی، قاہرہ، بی تا.
۴۶. *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، محمود آلوسی، دارالکتب العلمیہ، بیروت، اول، ۱۴۱۵ ق.

۴۷. **روض الجنان وروح الجنان**، حسین بن علی ابوالفتوح رازی، تصحیح محمدجعفر یاحقی ومحمد مهدی ناصح، بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد، دوم، ۱۳۸۷.
۴۸. **الریاض النضره**، محب‌الدین طبری، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۱۸ق.
۴۹. **زاد المسیر فی علم التفسیر**، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی ابن جوزی، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۲۲ق.
۵۰. **سنن ترمذی**، محمدبن عیسی ترمذی، تصحیح عبدالرحمن محمد عثمان، دارالفکر، بیروت، دوم، ۱۴۰۳ق.
۵۱. **السنه فی الشریعه الاسلامیه**، محمدتقی حکیم، بی جا، بی تا.
۵۲. **سوال فی یزید بن معاویه**، احمد بن عبدالحلیم ابن تیمیه، تحقیق صلاح الدین المنجد، دار الکتب الجدید، بیروت، بی تا.
۵۳. **سوال وجواب**، سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، مرکز نشر العلوم الاسلامی، تهران، ۱۴۱۵ق.
۵۴. **السیده خدیجه ام المومنین و سباقه الخلق الی الاسلام**، عبدالحمید محمود طهماز، دارالقلم، دمشق، ۱۴۱۰ق.
۵۵. **شرح الکافی**، محمدصالح مازندرانی، المکتبه الاسلامیه، تهران، اول، ۱۳۸۲ق.
۵۶. **شرح نهج البلاغه**، عزالدین ابوحامد ابن ابی الحدید، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، انتشارات کتابخانه مرعشی، قم، بی تا.
۵۷. **شرف الموبد لال محمد**، یوسف بن اسماعیل نبهانی، دار البشائر الاسلامیه، قاهره، ۲۰۰۳م.
۵۸. **الشفاف بتعریف حقوق المصطفی**، عیاض بن موسی قاضی عیاض، تحقیق علی محمد البجاوی، دار الکتب العربی، بیروت، بی تا.
۵۹. **شواهد التنزیل**، ابوالقاسم عبیدالله عبداالله حسکانی، وزارت فرهنگ وارشاد، تهران، اول، ۱۴۱۱ق.
۶۰. **الصالح**، اسماعیل بن حماد جوهری، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۳۰ق.
۶۱. **صحیح شرح العقیده الطحاویه**، حسن بن علی سقاف، بی جا، بی تا.
۶۲. **صحیح مسلم**، مسلم بن حجاج، دارالفکر، بیروت، بی تا.
۶۳. **صحیح وضعیف سنن الترمذی**، البانی، ناصرالدین، مکتبه المعارف للنشر و التوزیع، ریاض، ۱۴۲۰ق.
۶۴. **الصواعق المحرقه علی اهل الرفض والضللال والزندقه**، ابوالعباس احمدبن محمد هیشمی ابن حجر، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۹۹۷م.
۶۵. **العقیده الواسطیه**، احمدبن عبدالحلیم ابن تیمیه، شرح محمدبن صالح العثیمین، دار ابن جوزی، عربستان، ۱۴۲۹ق.
۶۶. **علل الشرایع**، محمدبن علی صدوق، مکتبه الداوری، قم، بی تا.
۶۷. **عیون اخبار الرضا**، محمد بن علی صدوق، انتشارات جهان، تهران، ۱۳۷۸ق.
۶۸. **الغیبه**، محمدبن ابراهیم نعمانی، مکتبه الصدوق، تهران، ۱۳۹۷ق.
۶۹. **الفتاوی الکبری**، احمدبن عبدالحلیم ابن تیمیه، تحقیق عبدالقادر عطا، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۸ق.
۷۰. **فتح الباری شرح صحیح البخاری**، أحمد بن علی ابن حجر، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.
۷۱. **فتح القدیر**، محمدبن علی شوکانی، دارالمعرفه، بیروت، دوم، ۱۴۱۶ق.
۷۲. **الفرقان بین اولیاء الرحمن و اولیاء الشیطان**، احمدبن عبدالحلیم ابن تیمیه، تحقیق علین نایف الشحود، بی جا، بی تا.

۷۳. *الفصول المختاره*، محمد بن نعمان مفید، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق.
۷۴. *الکافی*، محمد بن یعقوب کلینی، تصحیح علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، تهران، پنجم، ۱۳۶۱ش.
۷۵. *کتاب و رسائل و فتاوی شیخ الاسلام ابن تیمیه*، احمد بن عبدالحلیم ابن تیمیه، تحقیق عبدالرحمن العاصمی النجدی، مکتبه ابن تیمیه، بی تا.
۷۶. *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، محمود زمخشری، دار الکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق.
۷۷. *کفایه الاثر*، علی بن محمد ابن خزاز، تصحیح سیدعبداللطیف حسینی، بیدار، قم، ۱۴۰۱ق.
۷۸. *کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب*، محمد بن یوسف گنجی شافعی، تحقیق محمدهادی امینی، داراحیاء التراث اهل البیت، تهران، سوم، ۱۴۰۴ق.
۷۹. *الکلمه الغراء فی تفضیل الزهراء*، سیدشرف الدین عاملی، انتشارات مسجد جامع تهران، تهران، بی تا.
۸۰. *کمال الدین و تمام النعمه*، محمد بن علی صدوق، دارالکتب الاسلامیه، قم، دوم، ۱۳۹۵ق.
۸۱. *گفتگوی آرام با دکتر قزوینی*، احمد بن سعد غامدی، ترجمه محمد حسینی، دارالدراسات العلمیه، جدّه، ۱۴۲۹ق.
۸۲. *الایاء البهیة فی شرح لامیه شیخ الاسلام ابن تیمیه*، احمد المرادوی، دار ابن حزم، بیروت، ۱۴۲۷ق.
۸۳. *لسان العرب*، محمد بن مکرم ابن منظور، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۸۴. *لماذا اخترت مذهب اهل البیت*، محمد مرعی انطاکی، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، اول، ۱۴۱۷ق.
۸۵. *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، فضل بن حسن طبرسی، انتشارات ناصر خسرو، تهران، سوم، ۱۳۷۲ش.
۸۶. *مجموع الفتاوی*، احمد بن عبدالحلیم ابن تیمیه، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۱ق.
۸۷. *محاسن التاویل*، محمد جمال الدین قاسمی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۸ق.
۸۸. *مراه العقول*، محمدباقر مجلسی، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۴ق.
۸۹. *المستدرک علی الصحیحین*، محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، دار المعرفه، بیروت، دوم، ۱۴۲۷ق.
۹۰. *مسند الامام احمد بن حنبل*، دارصادر، بیروت، بی تا.
۹۱. *مشکل الآثار*، احمد بن محمد طحاوی، تحقیق محمد عبدالسلام شاهین، دارالکتب العلمیه، بیروت، اول، ۱۴۱۵ق.
۹۲. *المصابیح*، مجدالدین المویدی، مقدمه کتاب، تحقیق عبدالله الحوئی، مؤسسه الامام زید بن علی، صنعاء، ۱۴۲۳ق.
۹۳. *مع الشیخ عبدالله السعد فی الصحبه والصحابه*، حسن بن فرحان المالکی، مرکز الدراسات التاریخیه، اردن، اول، ۱۴۲۲ق.
۹۴. *معالم التنزیل فی تفسیر القرآن*، حسین بن مسعود بغوی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، اول، ۱۴۲۰ق.
۹۵. *معالم المدرستین*، مرتضی عسگری، مؤسسه البعثه، تهران، چهارم، ۱۴۱۲ق.
۹۶. *معانی الاخبار*، محمد بن علی صدوق، تصحیح علی اکبر غفاری، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۱ق.
۹۷. *معجم مقاییس اللغة*، احمد بن فارس، دار الجیل، بیروت، ۱۴۲۰ق.
۹۸. *مفاتیح الغیب*، محمد بن عمر فخررازی، دارالفکر، بیروت، اول، ۱۴۲۵ق.
۹۹. *المفردات فی غریب القرآن*، حسین بن محمد راغب اصفهانی، دارالعلم دار الشامیه، دمشق بیروت، ۱۴۱۲ق.

۱۰۰. منشور جاوید، جعفر سبحانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.
۱۰۱. المنقذ من التقليد، سدیدالدین حمصی، موسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۲ق.
۱۰۲. منهاج السنه النبویه، احمد بن عبدالحلیم ابن تیمیه، تحقیق محمد رشاد سالم، جامعه الامام محمد بن سعود، ۱۴۰۶.
۱۰۳. الموسوعه الفقهيہ، وزاره الاوقاف و الشؤون الاسلامیہ الكويتیہ، طباعه دات السلاسل، کویت، ۱۴۰۴ق.
۱۰۴. موسوعه مکہ المکرمه والمدینہ المنوره، عمر عثمان عریقی، مدخل آل البيت، اشراف احمد زکی یمانی، موسسه الفرقان للتراث الاسلامی، لندن، اول، ۲۰۰۷م.
۱۰۵. مهر تابان، سیدمحمدحسین حسینی تهرانی، انتشارات علامه، مشهد، ۱۴۱۷ق.
۱۰۶. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبائی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۷ق.
۱۰۷. النکت والعیون تفسیر الماوردی، ابوالحسن علی بن محمد ماوردی، دارالکتب العلمیہ، بیروت، بی تا.
۱۰۸. نگاہی به آیہ تطہیر، اسمر جعفری، نور علی نور، قم، ۱۳۷۹ش.
۱۰۹. نور الابصار، مومن شبلنجی، منشورات شریف رضی، قم، بی تا.
۱۱۰. نهج الحق و کشف الصدق، ابن مطهر حلّی، دارالکتاب اللبنانی، بیروت، اول، ۱۹۸۲م.
۱۱۱. ینابیع المودہ لدوی القری، سلیمان بن ابراهیم قندوزی، دارالاسوہ، قم، اول، ۱۴۱۶ق.